

بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی در زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره‌ی شهر کرج

زهره خسروی^۱، محمدرضا بلیاد^۲، فرزانه ناهیدپور^{۳*} و شهذخت آزادی^۴

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی در زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرج بود. به همین منظور، تعداد ۲۰۰ زوج (۴۰۰ نفر) از زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره به روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از سه پرسشنامه‌ی تجارب شخصی در روابط صمیمانه، بخشش و تعارضات زناشویی براتی و ثنایی استفاده شد. داده‌های بدست آمده با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و آزمون تی برای گروه‌های مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که میان سبک‌های دلبستگی، تعارضات زناشویی و بخشش رابطه‌ای معنادار وجود دارد. هم‌چنین، میزان تعارضات زناشویی در زوج‌هایی که سبک دلبستگی هر دوی آن‌ها ایمن است کم‌تر و میزان بخشش در آن‌ها بیش‌تر از زوج‌هایی است که سبک‌های دلبستگی هر دوی آن‌ها نایمن و یا سبک دلبستگی یکی از آن‌ها ایمن و دیگری نایمن است. در نهایت، زوج‌های بدون تعارض نسبت به زوج‌های دارای تعارضات زناشویی، یکدیگر را بیش‌تر می‌بخشند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی.

۱- دانشیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا. zohreh_khosravi@yahoo.com

۲- استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. m.belyad89@gmail.com

۳- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

۴- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران. shahdokhtazadi@yahoo.com

*- نویسنده‌ی مسئول مقاله: f_nahidpoor@yahoo.com

پیشگفتار

در دهه‌های گذشته این پرسش که چگونه ازدواج شکل می‌گیرد و کدام عامل‌ها بر شکست یا موفقیت آن تاثیر می‌گذارند، پژوهش‌های روان‌شناختی بسیاری را برانگیخته است. مشخص گردیده که عوامل بسیاری هم‌چون سبک‌های دلبستگی زوج‌ها، بخشش، ویژگی‌های شخصیتی و... در شکل‌گیری، تداوم و فروپاشی روابط زناشویی سهیم‌اند، اما در این پژوهش‌ها به این مطلب که سبک‌های دلبستگی و بخشش چگونه بر تعارضات زناشویی تاثیر می‌گذارند، اشاره ای نشده است و در بیش‌تر این مطالعات داده‌های مورد نیاز یا از زن یا از شوهر گرد آوری شده‌اند. بنابراین، در این پژوهش، به بررسی نقش عوامل یاد شده در رابطه‌ای دو نفره (زوجی) پرداخته شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش نمره‌گذاری مطلق (محاسبه‌ی تفاضل نمره‌های سبک‌های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی زوج‌ها و تحلیل داده‌ها از دیدگاه دو نفره) استفاده شد. هدف از انجام این پژوهش، کمک به مشاوران خانواده و زوج درمانگران جهت شناخت عوامل ایجاد کننده‌ی تعارضات زناشویی و حل هر چه بهتر آن‌ها و از این راه حفظ و تداوم روابط زناشویی زوج‌های مراجعه کننده است.

مبانی نظری

توانایی ایجاد و حفظ روابط صمیمانه، پایدار و رضایت بخش یکی از مهم‌ترین تکالیف رشدی در دوران بزرگسالی است (Belat & Bellus, 1995 quoted by Lawler-Row, 2006). به این دلیل که افراد در روابط صمیمانه یکدیگر را می‌رنجانند یا به هم آسیب می‌رسانند. آن‌ها ممکن است تعهدات خود را زیر پا بگذارند، پشت سر یکدیگر غیبت کنند، یا حتی مستقیماً حرف‌های زشتی رور در روی یکدیگر بگویند و به طور خلاصه از یکدیگر قهرمانی نکنند. به خاطر آسیب‌ها و اشتباه‌های اجتناب ناپذیری که با روابط بین فردی همراه است، برخورد موثر با چنین رخدادهایی برای حفظ روابط سالم و باثبات اهمیت دارد (Fincham, 2000). دستیابی به یک زندگی زناشویی رضایت بخش، مستلزم وجود تعدادی ویژگی از جمله توانایی اعتماد به دیگران و همکاری با آن‌هاست (K.N. Levy & Belat, 1999 quoted by Lowler-Row, 2006). افزون بر این، افراد باید از توانایی تحمل، مقابله و کار بر روی اشتباهات و نقص‌های اجتناب ناپذیر همسرشان برخوردار باشند. در این میان، بخشش واکنشی است که اجازه می‌دهد، با وجود اشتباه‌ها، خیانت‌ها یا شکست‌ها رابطه ادامه یابد (Fincham, 2000).

بخشش به شخصی که خطا در حق او صورت گرفته، امکان می‌دهد تا از هیجان‌های منفی که رابطه را مختل می‌کند، رها شود، مک کالو و ریچل (McCullough & Rachal, 1997) و رشد بازنمایی‌های شناختی مثبت از همسر را تشویق می‌نماید (Flanigan, 1998).

بخشش ابزاری مهم برای حفظ روابط پایدار و دراز مدت است (Riply, 2002 & Exline, 2000). بخشش به زوجها برای مقابله با مشکلات موجود و پیشگیری از بروز آنها در آینده کمک می‌کند (Worthington & Diblasio, 1990). گوردون و همکاران (Gordon et al, 2000) مطرح کردند که بخشش در موقعیت‌هایی که تعهدات زناشویی یا استانداردهای رابطه زیر پا گذاشته می‌شود، اهمیت دارد.

افزون بر این، در خانواده‌ی درمانی بافتی^۱، باور بر این است که بخشش هنگامی ضرورت دارد که اشتباهها، اصول اخلاقی ارتباطی همسران و حس عدالت در ازدواج را نقض کنند (Bozur-mini Nagi, 1986 quoted by Diblasio, 1998).

برخی از پژوهشگران بر این باورند که مشکلات زناشویی در سبک‌های دلبستگی زوجها ریشه دارند. کوباک، راکسچل و هازن (Kobak, Ruckdeschel & Hazan, 1994) پیشنهاد کردند که نشانه‌های آشفتگی زناشویی نشانه‌ای از دلبستگی ناایمن است. نارضایتی همسران اغلب از ترس‌های برخاسته از سبک دلبستگی آنها نشات می‌گیرد (ترس از رها شدن یا نبود صمیمیت). همچنین، پیروان زوج درمانی هیجان مدار بر این باورند که مشکلات زوجها آشفته در سبک‌های دلبستگی آنها ریشه دارند که باید برای ایجاد پیوند عاطفی امن میان زوجها دوباره بررسی، پردازش و تغییر یابند.

از این رو، نظریه و پژوهش از این باور که دلبستگی ناایمن با آشفتگی زناشویی مرتبط است، حمایت می‌کنند (Greenberg & Johenson, 1988 quoted by Davila & beradbury, 2001).

پژوهش نشان داد که فرآیندهای دلبستگی در روابط صمیمانه بازنمایی می‌شوند. برای مثال، بازنمایی‌های دلبستگی انتظارات فرد از روابط را شکل می‌دهد و بر رفتار آنها با شریک زندگی‌شان هنگامی که دچار استرس می‌شوند، اثر می‌گذارند (Collins, 1996). احساس عدم امنیت با رضایت زناشویی اندک همراه است و امکان دارد برخی همسران در چرخه‌ای از تعاملات منفی گرفتار شوند که احساس‌های مزمن ناایمنی و نارضایتی را حفظ می‌کنند (Davila et al, 1999).

همچنین، سبک دلبستگی ناایمن همسران را در خطر باقی ماندن در یک ازدواج ناخوشایند قرار می‌دهد (Kirkpatrick & Davis, 1994). نگرانی از ترک شدن و شایستگی عشق هم ممکن است منجر به چنین عملی شود. این نگرانی‌ها هسته‌ی اصلی سبک میان فردی وسیع تری است که با

^۱-Contextual family Therapy

الگوی دلبستگی دوسوگرا هماهنگ است. این الگو با یک حالت وابستگی بیش از حد، خود کم بینی، ترس از ترک شدن و میل زیاد برای بدست آوردن تایید دیگران توصیف می‌شود (Bartholomew, 1990). افراد دارای این سبک تمایل دارند بیش از اندازه بر روابط خود تمرکز کنند، دارای تمایل زیاد برای نزدیک شدن به دیگران هستند، هنگامی که روابط آن‌ها پایان می‌یابد، آشفتگی بسیار زیادی را تجربه می‌کنند و دوست ندارند بدون رابطه باشند. افرادی با این ویژگی‌ها تلاش می‌کنند روابط را در هر شرایطی حفظ کنند حتی اگر در یک رابطه‌ی ناخوشایند باقی بمانند. از این رو، زوج‌های ناخشنودی که نگران ترک شدن و شایستگی عشق هستند، نسبت به سایر همسرانی که چنین نگرانی‌هایی ندارند، با احتمالی کم‌تر طلاق می‌گیرند. بنابراین، شرکای زندگی نایمن نه تنها گرایش دارند تا هیجان منفی بیش‌تری را تجربه کنند بلکه هیجان‌هایشان را در روابط بیش‌تر از شرکای ایمن، سرکوب می‌کنند که این خود منجر به تعارضات بیش‌تر می‌شود. از این رو، در این پژوهش، پژوهشگر سعی دارد تا به بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که آیا میان سبک‌های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- میان بخشش و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۲- میان سبک‌های دلبستگی و بخشش رابطه وجود دارد.
- ۳- میان سبک‌های دلبستگی و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۴- میزان بخشش در زوج‌های دارای سبک‌های دلبستگی ایمن بیش‌تر از زوج‌های دارای سبک‌های نایمن است.
- ۵- میزان تعارضات زناشویی در زوج‌های دارای سبک‌های دلبستگی ایمن کم‌تر از زوج‌های دارای سبک‌های نایمن است.
- ۶- زوج‌های دارای تعارض کم‌تر از زوج‌هایی که تعارض ندارند یکدیگر را می‌بخشند.

پیشینه‌ی پژوهشی

فینچم (Fincham, 2000) در مطالعه‌ی خود با عنوان بررسی رابطه‌ی بین بخشش و رضایت از روابط نشان داد که بخشش به بهبود کیفیت روابط زوج‌ها می‌انجامد. این بهبود کیفیت دربرگیرنده‌ی کاهش پرخاشگری و تعارضات زناشویی است. اوراثینکل و وانس تینگن (Orathinkalkouros & Vansteenwegen, 2006) ارتباط میان بخشش و رضایت زناشویی را مورد

بررسی قرار دادند. آن‌ها نشان دادند که میان بخشش و سازگاری کلی در زندگی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

فینچم، بیچ و داویلا (Fincham, Beach & Davila, 2004) ارتباط بخشش در زوجها با حل تعارض را بررسی کردند. مطالعه‌ی نخست دربرگیرنده‌ی زوج‌هایی بود که ۳ سال از ازدواج آن‌ها سپری شده بود. آن‌ها در این نمونه دو بعد بخشش (تلافی و خیرخواهی) را بررسی کردند. نتایج نشان داد انگیزه‌ی تلافی جویانه‌ی شوهر، حل تعارض ضعیف همسر را به گونه‌ای معنادار پیش‌بینی می‌کند. در حالی که، انگیزه‌ی خیرخواهانه‌ی زن، حل تعارض بهتر شوهر را پیش‌بینی می‌کرد. در مطالعه‌ی دوم، در ازدواج‌های دراز مدت تر، سه بعد بخشش (تلافی، اجتناب و خیرخواهی) شناسایی شد. در این مطالعه نیز خیرخواهی زن حل بهتر تعارض را پیش‌بینی کرد و اجتناب شوهر، حل ضعیف تعارض زن را پیش‌بینی کرد. همه‌ی یافته‌های پژوهش از رضایت زناشویی همسران مستقل بود.

فریسن، فلتچر و اوورال (Friesen, Fletcher & Overal, 2006) بخشش را از راه بررسی خاطرات و ادراک زوجها از وقوع اشتباه‌های ویژه در رابطه‌شان مطالعه کردند. نتایج نشان دادند که اسنادهای مثبت و کیفیت رابطه، بخشش را به گونه‌ی مستقل پیش‌بینی می‌کنند.

چندین مطالعه ارتباط مثبت میان رضایت زناشویی و بخشش را نشان دادند (Fincham, 2000; Kachadourian et al, 2004; Paleari et al, 2005). اگرچه ساز و کار زیربنایی ارتباط میان بخشش و رضایت نامعلوم است، مک کالو (McCullough, 1998) پیشنهاد کرد که اعتراف و معذرت خواهی در روابط صمیمانه منجر به افزایش احتمال بخشش می‌شود. پژوهش‌های طولی یا آزمایشی در این زمینه نشان دادند که ارتباط میان بخشش و کیفیت رابطه با دیگران دو جانبه است و بخشش پیش‌بینی کننده‌ی کیفیت روابط زناشویی است (Paleari et al, 2005).

بخشش با حل تعارض در زوجها مرتبط است. برای نمونه، فینچم و همکاران (Fincham et al, 2004) دریافتند که تلافی و اجتناب (مانند جنبه‌های منفی بخشش) میان شوهران و فقدان خیرخواهی (بعد مثبت بخشش) میان زنان با عدم سودمندی حل تعارض مرتبط است. فینچم و همکاران پیشنهاد کردند که اشتباه‌های حل نشده ممکن است منجر به تعارضات آینده شوند و در نتیجه، مانع از حل آن‌ها شود و زوج را در معرض خطر ایجاد چرخه‌ی تعامل منفی قرار دهد که در ازدواج‌های ناموفق به چشم می‌خورد.

سبک دل بستگی یا میزان امنیت عاملی مهم در کنترل تعارض، کورکوران و مالین کوردت (Corcoran & Mallinckrodt, 2000) و خودگردانی هیجانی است که هر دو از عامل‌های اساسی در

حفظ روابط طولانی مدت هستند. افراد دلبسته‌ی ایمن از راهبردهای انطباقی بیش‌تری برای سازمان دهی تجارب خود برخوردارند (Eisenberg & Fabes, 1992). سیمپسون، رهولز و فیلیپس (Simpson, Reholz & Phillips, 1996) نشان دادند که دلبستگی ایمن ارتباط بهتر، درک بیش‌تر و پرخاشگری کم‌تر را در هنگام بروز تعارض در روابط رومانیتیک پیش‌بینی می‌کند. سبک دلبستگی ایمن نه تنها بر چارچوب برقراری روابط بلکه بر کیفیت رابطه، فینی و نولر (Feeney & Noller, 1996) و سلامت روان‌شناختی نوجوانان و بزرگسالان تاثیر می‌گذارد (Cooper, Shaver & Collins, 1998; Lapsley & Edgerton, 2002).

کوباک، کول-فریز، فلمینگ و گمبل به نقل از کارمنس و هنک (Kobak, Cool-Freez, Feleming & Gambl, 1993 quoted by Karremans & Henk, 2007) دریافتند که نوجوانان دارای سبک دلبستگی ایمن خشم کم‌تری ابراز می‌کنند و بیش‌تر در اتخاذ تصمیم، حل مساله و روابط مادر فرزندی درگیر می‌شوند. افزون بر این، کوهن، سیلور، کوون و پیرسون (Cohen, Silver, Coven & Pearson, 1992) دریافتند که بزرگسالان دلبسته‌ی ایمن از توانایی بهتری برای کنترل عواطف منفی در تعاملات زناشویی، سازگاری بیش‌تر و تعاملات تعارض آمیز کم‌تری برخوردارند و در زوج‌هایی که دست کم یکی از همسران دلبسته ایمن هستند، رضایت زناشویی بیش‌تر است. کوباک و هازن (Kobak & Hazan, 1991) دریافتند که سبک دلبستگی ایمن با سازگاری زناشویی بهتر، ارتباط صمیمانه میان همسران و کنترل هیجان همراه است. بارنت و همکاران (Burnette et al, 2006) پیشنهاد کردند که ارتباط نبخشیدن و دلبستگی نایمن می‌تواند به وسیله‌ی نشخوارهای ذهنی خشونت آمیز تعدیل شود. هم‌چنین، پژوهش نشان داد که نوجوانان و بزرگسالان نایمن، خشم نامناسب بیش‌تری را بروز می‌دهند (Kobak et al, 1991; Mikulincer, 1998).

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی است. در پژوهش‌های توصیفی "آنچه هست" یا "وضعیت موجود" پدیده‌ها بررسی می‌شوند. به باور بست، پژوهش توصیفی در مورد شرایط یا روابط موجود، باورها، دیدگاهها و نگرش‌ها مردم نسبت به یک پدیده و فرآیندها و روندها مطالعه می‌کند. در این نوع پژوهش، پژوهشگر به توصیف دقیق فعالیت‌ها، اشیا، فرآیندها و اشخاص می‌پردازد. به بیان دیگر، پژوهشگر در این گونه پژوهش‌ها سعی می‌کند تا "آنچه هست" یا "وضعیت موجود" را بدون هیچ‌گونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهد و نتایج عینی از موقعیت بگیرد (Hasanzadeh, 2003).

جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و روان‌شناسی شهر کرج بود که دست‌کم دو سال از مدت ازدواج آن‌ها سپری شده بود.

روش نمونه‌گیری

نمونه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۲۰۰ زوج مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرج بود که به صورت در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، در ابتدا در یک برگه‌ی مجزا علاوه بر تاکید بر اهمیت پژوهش، روش تکمیل پرسشنامه‌ها توضیح داده شد. پژوهشگر برای هر زوج سه پرسشنامه در نظر گرفت. به بیان دیگر، هر زوج باید به شش پرسشنامه پاسخ می‌داد. بر اساس راهکارهای ارایه شده، پرسشنامه‌ها باید به تنهایی و بدون مشورت دیگری تکمیل می‌شد. افزون بر این، روی هر پرسشنامه داده‌ها و پرسش‌های مربوط به مشخصات دموگرافیک که شامل سن، جنس، تحصیلات و مدت ازدواج است نیز آورده شد. سپس، کلیه‌ی پرسشنامه‌ها در مراکز مشاوره شهر کرج که برای همکاری با پژوهش اعلام آمادگی نمودند، سپرده شد تا به وسیله‌ی مشاوران و روان‌شناسان آن مراکز به زوج‌های مراجعه‌کننده داده شود.

ابزار گردآوری داده‌ها

الف) پرسشنامه‌ی تجارب شخص در روابط صمیمانه - تجدیدنظر شده^۱

این پرسشنامه که دارای ۳۶ پرسش است به وسیله‌ی برنان، فرالی و والر به نقل از پیوسته‌گر (Bernan, Feraly & Valler, 2000 quoted by Peyvastehgar, 2006) تدوین شده است و ۱۸ پرسش آن دلبستگی اضطرابی را محاسبه می‌کند و ۱۸ پرسش دیگر آن دلبستگی اجتنابی را نشان می‌دهد. این پرسشنامه سبک دلبستگی فرد را در حال حاضر تعیین می‌کند.

کسانی که در زیر مقیاس اضطراب نمره‌ی بالا می‌گیرند، نیاز شدید به پذیرش و تایید دیگران داشته و تمایل به نگرانی در این موارد را دارند که آیا همسرشان پاسخ دهنده و در دسترس خواهد بود. کسانی که در این مقیاس نمره‌ی پایین می‌گیرند، دلبستگی ایمن دارند و به پاسخ دهنده بودن همسرشان اعتماد دارند. کسانی که در زیر مقیاس اجتنابی نمره‌ی بالا می‌گیرند، از ایجاد روابط صمیمانه با دیگران ناراحتند. چنین افرادی احساس می‌کنند اگر احساسات و عواطف‌شان را ابراز کنند، زبان خواهند دید. بزرگسالان ایمن از هر دو زیر مقیاس نمره‌ی پایین می‌گیرند.

^۱ -personal experiences in intimate relationships questionnaire- revised

میزان آلفای کرونباخ برای هر زیر مقیاس در نمونه‌ای از دانشجویان به شرح زیر گزارش شده است (Bernan, Feraly & Valler, 2000 quoted by Peyvastehgar, 2006).

جدول ۱- میزان آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های پرسشنامه‌ی تجارب شخصی در روابط صمیمانه

| تعداد | ایمن | اجتنابی | اضطرابی |
|-------|------|---------|---------|
| ۱۸۳ | ۰/۸۵ | ۰/۸۲ | ۰/۸۹ |
| ۱۴۰ | ۰/۸۴ | ۰/۸۲ | ۰/۸۹ |
| ۱۱۰ | ۰/۸۶ | ۰/۸۴ | ۰/۸۷ |

با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است، میزان پایایی این پرسشنامه بالاست.

پیوسته گر (Peyvastehgar 2006) بمنظور محاسبه‌ی روایی آزمون تجارب شخصی در روابط صمیمانه از روش تحلیل عوامل استفاده کرد. تحلیل عاملی پرسش‌های آزمون نشان داد که پرسش‌ها به گونه‌ای معنی دار با عوامل مورد بررسی آزمون (سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی) همبستگی دارند. نتایج تحلیل نشان داد که پرسش‌های ۱، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۲، ۳۵ در عامل یک (سبک دلبستگی ایمن) و پرسش‌های ۲، ۳، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۶ در عامل دوم (دلبستگی اضطرابی) و پرسش‌های ۴، ۵، ۱۱، ۱۹، ۲۲، ۲۸، ۳۳، ۳۴ در عامل سوم (دلبستگی اجتنابی) دارای بار عاملی بیش‌تری بودند. در این پژوهش پایایی آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ بدست آمد که حاکی از دقت بالای آزمون است.

ب) پرسشنامه‌ی بخشش^۱

ری و دیگران (Ray, 1998 quoted by Ray et al, 2001) مقیاس ۱۵ گویه‌ای بخشش را تدوین کردند.

مقیاس اصلی دارای ۱۶ گویه بوده و پس انجام تحلیل عاملی ۱ گویه‌ی آن حذف و به ۱۵ گویه تبدیل گردید. گویه‌های نمونه شامل موارد زیر است: "برای کسی که مرا رنجانده آرزوی خیر و خوبی دارم" یا "می‌توانم خشم خود را از کسی که مرا رنجانده دور سازم". نمره‌های بالاتر در این مقیاس نشان دهنده‌ی بخشش بیش‌تر نسبت به آزاردهنده است. پاسخ‌ها در ۵ مرحله‌ی لیکرت از "به شدت" تا "اصلاً" طراحی شدند. ری، این معیار را با معیار سنجش بخشش انرایت مورد

^۱-Forgiveness questionnaire

مقایسه فرار داد. همبستگی بدست آمده به شیوه‌ی هم‌تاسازی نسبتاً بالا بود: $r = 0.75 - 0.50$ (Ray et al, 2001).

آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش زندگی پور و یادگاری (Zandipour & yadegari, 2007) $r = 0.96$ بدست آمد. در این پژوهش نیز بمنظور مجاسبه‌ی پایایی این آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار آلفا 0.83 بدست آمد که حاکی از دقت بالای آزمون است.

ج) پرسشنامه‌ی تعارض زناشویی براتی و ثنایی^۱

این ابزار دارای ۴۲ گویه است که با هدف سنجش تعارض‌های زناشویی ساخته شده است. گویه‌های این ابزار با ۵ گزینه‌ی همیشه، بیش‌تر، گاهی وقت‌ها، به ندرت و هرگز همراه است که به ترتیب از ۱ تا ۵ نمره گذاری می‌شوند. بیش‌ترین نمره‌ای که می‌توان با این ابزار بدست آورد، ۲۱۰ و کم‌ترین نمره ۴۲ است. نمره‌ی بالا به معنای تعارض شدید و نمره‌ی پایین به معنای عدم تعارض تفسیر می‌شود. پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ 0.53 برآورد شده است. هم‌چنین، از روایی محتوایی خوبی برخوردار است (Sanaee, 2000).

آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه روی یک گروه ۳۲ نفری برابر با 0.52 و برای هفت خرده مقیاس آن به ترتیب: کاهش همکاری 0.30 ، کاهش رابطه‌ی جنسی 0.50 ، افزایش واکنش‌های هیجانی 0.73 ، افزایش جلب حمایت فرزندان 0.60 ، افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود 0.64 ، کاهش رابطه با خویشاوندان همسر 0.64 ، جدا کردن امور مالی از یکدیگر 0.51 است (Sanaee, 2000). هم‌چنین، در پژوهش کنونی پایایی پرسشنامه‌ی تعارضات زناشویی از روش آلفای کرونباخ با یک نمونه ۳۰ نفری از زوجها محاسبه شد. ضریب پایایی کل این ابزار 0.73 و پایایی خرده مقیاس‌های آن شامل کاهش همکاری 0.67 ، کاهش رابطه‌ی جنسی 0.70 ، افزایش واکنش‌های هیجانی 0.85 ، افزایش جلب حمایت فرزندان 0.76 ، افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود 0.77 ، کاهش رابطه با خویشاوندان همسر 0.62 ، جدا کردن امور مالی از یکدیگر 0.69 بدست آمد. هم‌چنین، پایایی این ابزار با استفاده از روش دو نیمه سازی 0.89 محاسبه گردید.

^۱-Barati & Sanaee marital conflict questionnaire

یافته‌های پژوهش

فرضیه‌ی نخست: "میان بخشش و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد".

جدول ۲- همبستگی محاسبه شده بین بخشش و تعارضات زناشویی

| متغیرها | همبستگی | سطح معناداری | تعداد |
|------------------------|---------|--------------|-------|
| بخشش و تعارضات زناشویی | -۰/۳۶ | ۰/۰۰۰ | ۲۰۰ |

برای بررسی رابطه‌ی میان بخشش و تعارضات زناشویی از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، مقدار همبستگی محاسبه شده میان بخشش و تعارضات زناشویی (-۰/۳۶) است که این مقدار از نظر آماری در سطح ۰/۱٪ معنادار است، یعنی هر چه بخشش بیش‌تر باشد، تعارضات زناشویی کم‌تر خواهد بود.

فرضیه‌ی دوم: "میان سبک‌های دلبستگی و بخشش رابطه وجود دارد".

جدول ۳- همبستگی محاسبه شده بین سبک‌های دلبستگی و بخشش

| همبستگی | سطح معناداری | تعداد |
|-------------------|--------------|-------|
| سبک دلبستگی ایمن | ۰/۴۴ | ۰/۰۰۰ |
| سبک دلبستگی نایمن | -۰/۶۵ | ۰/۰۰۰ |

برای بررسی سبک‌های دلبستگی و بخشش از همبستگی پیرسون استفاده شد. همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، مقدار همبستگی محاسبه شده میان سبک دلبستگی ایمن با بخشش (۰/۴۴) است و همبستگی محاسبه شده میان سبک دلبستگی نایمن و بخشش (-۰/۶۵) است که این مقادارها از نظر آماری در سطح ۰/۱٪ معنادار است، یعنی هر چه سبک دلبستگی ایمن‌تر باشد، میزان بخشش نیز بیش‌تر است و برعکس هر چه سبک دلبستگی نایمن باشد، میزان بخشش کم‌تر است.

فرضیه‌ی سوم: "میان سبک‌های دل‌بستگی و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد."

جدول ۴- همبستگی محاسبه‌شده بین سبک‌های دل‌بستگی و تعارضات زناشویی

| تعداد | سطح معناداری | همبستگی | |
|-------|--------------|---------|--------------------|
| | ۰/۰۰۰ | -۰/۵۴ | سبک دل‌بستگی ایمن |
| ۲۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۷ | سبک دل‌بستگی نایمن |

برای بررسی سبک‌های دل‌بستگی و تعارضات زناشویی از همبستگی پیرسون استفاده شد. همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، مقدار همبستگی محاسبه شده میان سبک دل‌بستگی ایمن با تعارضات زناشویی (-۰/۵۴) است و همبستگی محاسبه شده میان سبک دل‌بستگی نایمن و تعارضات زناشویی (۰/۴۷) است که این مقادارها از نظر آماری در سطح ۱٪ معنادار است، یعنی هر چه سبک دل‌بستگی ایمن‌تر باشد، میزان تعارضات زناشویی کم‌تر و برعکس، هر چه سبک دل‌بستگی نایمن باشد، میزان تعارضات زناشویی بیش‌تر است.

فرضیه‌های چهارم و پنجم: "میزان بخشش در زوج‌های دارای سبک‌های دل‌بستگی ایمن بیش‌تر از زوج‌های دارای سبک‌های نایمن است" و "میزان تعارضات زناشویی در زوج‌های دارای سبک‌های دل‌بستگی ایمن کم‌تر از زوج‌های دارای سبک‌های نایمن است".

جدول ۵- تی محاسبه شده برای مقایسه‌ی میزان بخشش و تعارضات زناشویی در زوج‌های دارای

سبک دل‌بستگی ایمن و نایمن

| سطح معناداری | f | میانگین مجذورات | درجه‌ی آزادی | مجموع مجذورات | منابع پراکندگی | |
|--------------|-------|-----------------|--------------|---------------|----------------|---------|
| ۰/۰۰۰ | ۷۵/۸۱ | ۳۵۲۳۰/۳۲ | ۲ | ۷۰۴۶۰/۶۴ | بین گروهی | تعارضات |
| | | ۴۶۴/۶۹ | ۱۹۷ | ۹۱۵۴۵/۱۴ | درون گروهی | زناشویی |
| | | | ۱۹۹ | ۱۶۲۰۰۵/۸ | کل | |
| ۰/۰۰۰ | ۹/۶۴ | ۵۵/۱۷ | ۲ | ۱۱۰/۳۴ | بین گروهی | بخشش |
| | | ۵/۷۲ | ۱۹۷ | ۱۱۲۶/۹۴ | درون گروهی | |
| | | | ۱۹۹ | ۱۲۳۷/۲۹ | کل | |

برای مقایسه‌ی تعارضات زناشویی و بخشش در زوج‌های دارای سبک‌های دلبستگی ایمن و سبک‌های دلبستگی نایمن از تحلیل واریانس یکراهه استفاده شد. نتیجه نشان داد که میان زوج‌هایی که سبک دلبستگی هر دوی آن‌ها ایمن، زوج‌هایی که یکی از آن‌ها ایمن و دیگری نایمن و زوج‌هایی که سبک دلبستگی هر دوی آن‌ها نایمن است، از نظر تعارضات زناشویی و بخشش با احتمال ۹۹ درصد تفاوتی معنادار وجود دارد.

جدول ۶- آزمون تعقیبی شفه برای مقایسه‌ی تعارضات زناشویی با توجه به سبک دلبستگی زوج-

ها

| ایمن-ایمن | نایمن-نایمن | ایمن-نایمن |
|-----------|-------------|------------|
| * | | - |
| | - | |
| - | * | |

آزمون تعقیبی شفه نشان داد که میزان تعارضات زناشویی در زوج‌هایی که سبک دلبستگی هر دوی آن‌ها ایمن است، کم‌تر از زوج‌هایی است که سبک‌های دلبستگی هر دوی آن‌ها نایمن است و یا سبک دلبستگی یکی از آن‌ها ایمن و دیگری نایمن است.

جدول ۷- آزمون تعقیبی شفه برای مقایسه‌ی میزان بخشش با توجه به سبک دلبستگی زوج‌ها

| ایمن-ایمن | نایمن-نایمن | ایمن-نایمن |
|-----------|-------------|------------|
| * | | - |
| | - | |
| - | * | |

آزمون تعقیبی شفه نشان داد میزان بخشش در زوج‌هایی که سبک دلبستگی هر دوی آن‌ها ایمن و یا سبک دلبستگی یکی از آن‌ها ایمن و دیگری نایمن است بیش‌تر از زوج‌هایی است که سبک‌های دلبستگی هر دوی آن‌ها نایمن است.

فرضیه‌ی ششم: "زوج‌های دارای تعارض کم‌تر از زوج‌هایی که تعارض ندارند، یکدیگر را می‌بخشند".

جدول ۸- تی محاسبه شده برای مقایسه‌ی میزان بخشش در زوج‌های دارای تعارض و زوج‌های

بدون تعارض

| متغیر | گروه | تعداد | میانگین | df | t | سطح معناداری |
|-------|---------------------|-------|---------|-----|------|--------------|
| بخشش | زوج‌های دارای تعارض | ۷۸ | ۱۵/۷۲ | ۱۹۸ | ۴/۳۲ | ۰/۰۰۰ |
| | زوج‌های بدون تعارض | ۱۲۲ | ۱۷/۲۲ | | | |

برای مقایسه‌ی میزان بخشش در زوج‌های دارای تعارض و زوج‌های بدون تعارض از آزمون تی برای گروه‌های مستقل استفاده شد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مقدار تی محاسبه شده برابر با (۴/۳۲) است که این مقدار از نظر آماری در سطح ۰/۱٪ معنادار است. بنابراین، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت زوج‌های بدون تعارض نسبت به زوج‌های دارای تعارضات زناشویی، یکدیگر را بیش‌تر می‌بخشند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های بدست آمده از تحلیل داده‌های جدول ۲ نشان داد که بین بخشش و تعارضات زناشویی رابطه‌ی منفی معنادار وجود دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که اعتراف به اشتباه و معذرت خواهی در روابط صمیمانه منجر به بخشش و در نتیجه، کاهش رنجش و تعاضات میان زوج‌ها می‌شود زیرا بخشش فرایندی است که هدفش رهایی یا کاهش آزرده‌گی، خشم، انتقام یا نفرت است. یافته‌های بدست آمده از این پژوهش با پژوهش‌های فینچم (Fincham, 2000)، اورائینکل و وانس تینگن (Orathinkalkouros & Vansteenwegen, 2006) و پالری و همکاران (Paleri et al, 2005) همسو می‌باشد. همه‌ی این پژوهش‌ها نشان دادند که بخشش به بهبود کیفیت روابط، می‌انجامد و میان رضایت زناشویی و بخشش رابطه وجود دارد.

هم‌چنین، مشخص شد که مداخلات بخشش مدار موجب افزایش رضایت زناشویی می‌شود (Alwaro, 2001; Sells, Gordano, 2002 quoted by Fincham et al, 2006). از سوی دیگر، یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها جدول ۳ نشان داد که میان بخشش و سبک دلبستگی ایمن رابطه‌ی مثبت و میان بخشش و سبک دلبستگی ناایمن رابطه‌ی منفی وجود دارد. هم‌چنین، بر

اساس یافته‌های جدول ۵ که در راستای یافته‌های جدول ۳ است زوج‌هایی که سبک دلبستگی هر دوی آن‌ها ایمن است، بیش‌تر از زوج‌هایی که یکی از آن‌ها ایمن و دیگری نایمن و زوج‌هایی که سبک دلبستگی هر دوی آن‌ها نایمن است، یکدیگر را می‌بخشند. در تبیین این یافته‌ها باید گفت که شباهت‌های مهمی میان نظریه‌ی دلبستگی و بخشش وجود دارد. هر دو شامل سازه‌هایی چون اعتماد، ارتباط، همدلی و خودگردانی هیجانی و مجموعه‌ی پیچیده‌ی از تغییرات روان‌شناختی است که بر خود و دیگران متمرکزند (مانند خطاکاران). بخشش اغلب مستلزم همدلی و غلبه بر احساسات تردید به خود، گناه و خشم است (Enright, 2001).

در موقعیت‌های تهدیدکننده، فرآیند بخشش به وسیله سبک دلبستگی ایمن تسهیل می‌شود (Feeney & Collins, 2001; Gillath et al, 2005).

نگرانی‌های افراد دلبسته‌ی نایمن مانع از همدلی با خطاکار یا کنترل هیجان‌های منفی می‌شود. در مقابل، دلبستگی ایمن نیاز برای حمایت از خود و تنبیه خود را کاهش می‌دهد میکولینسرو شیور (Mikulincer & Shaver, 2005) و به شخص اجازه می‌دهد تا دیدگاه فرد مقابل را هم در نظر بگیرد و خشم خود را کنترل کند (Konstam et al, 2001; Paleari et al, 2005).

افراد دلبسته‌ی نایمن به دلیل نداشتن حس همدلی و عدم کنترل عواطف منفی خود نمی‌توانند دیگران را بخشند. نه تنها نظریه دلبستگی به این گفته اعتبار می‌بخشد، بلکه پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی بخشش وجوه اشتراک سبک‌های دلبستگی و پیش‌بینی کننده‌های بخشش را برجسته ساخته‌اند. برای مثال، افراد دارای سبک دلبستگی ایمن از بسیاری از ویژگی‌های مثبت افراد بخشنده هم‌چون خودتنظیمی، همدلی و سازگاری برخوردارند (Macaskill et al, 2002; McCullough, 2001; McCullough et al, 2005). در مقابل، افراد غیربخشنده و کسانی که الگوهای درونی آن‌ها نایمن است، به رخدادهای ارتباطی تهدیدکننده به صورت منفی، هیجانی و رفتاری واکنش نشان می‌دهند، نشخوارهای ذهنی منفی دارند و مستعد ابتلا به افسردگی هستند (Simpson & Rehol, 2004; Tse & Chang, 2006).

یافته‌های ۴ نشان داد که میان تعارضات زناشویی و سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن به ترتیب رابطه‌ی منفی و مثبت وجود دارد. هم‌چنین، بر اساس یافته‌های جدول ۵ زوج‌هایی که سبک دلبستگی هر دوی آن‌ها ایمن است، کم‌تر از زوج‌هایی که یکی از آن‌ها ایمن و دیگری نایمن و زوج‌هایی که سبک دلبستگی هر دوی آن‌ها نایمن است، با یکدیگر تعارض دارند. یک علت دستیابی به این یافته آن است که سبک دلبستگی یا میزان امنیت عاملی مهم در کنترل تعارض، کورکوران و مالین کوردت، (Corcoran & Mallinckrodt, 2000) و خودگردانی هیجانی، ایسنبرگ و فابس (Eisenberg & Fabes, 1992) است که هر دو از عامل‌های اساسی در حفظ روابط دراز مدت

هستند. افراد دلبسته‌ی ایمن از راهبردهای انطباقی بیش‌تری برای سازمان دهی تجارب خود برخوردارند. سیمپسون، روهلز و فیلیپس (Simpson, Rehol & Philips, 1996) نشان دادند که دلبستگی ایمن ارتباط بهتر، درک بیش‌تر و پرخاشگری کم‌تر در هنگام بروز تعارض در روابط رومانیتیک را پیش‌بینی می‌کند.

سبک دلبستگی ایمن نه تنها بر چارچوب برقراری روابط فرد بلکه بر کیفیت رابطه‌ی فینی و نولر (Feeney & Noller, 1996)، سلامت روان‌شناختی مانند عزت نفس بالا و اضطراب اندک در نوجوانان و بزرگسالان تاثیر می‌گذارد (Cooper, 1998; Lapsle & Edgerton, 2002). افزون بر این، کوهن و همکاران (Kohen et al, 1992)، کوباک و هازن (Kobak & Hazan, 1991) و بارنت و همکاران (Burnette et al, 2006) نشان دادند که سبک دلبستگی ایمن با سازگاری زناشویی بهتر، ارتباط صمیمانه میان همسران و تنظیم هیجانی بهینه همراه است.

در نهایت، بر اساس یافته‌های جدول ۸ زوج‌های دارای تعارضات زناشویی نسبت به زوج‌های بدون تعارض، یکدیگر را بیش‌تر می‌بخشند. هماهنگ با این یافته، پژوهشگران نشان دادند که بخشش، رفتارهای سازنده و احساسات مثبت نسبت به فرد خطاکار را تشویق می‌کند و بر ازدواج موفق تاثیر می‌گذارد (فینکل و همکاران و ورثینگتون و همکاران (Worthington et al, 2005 & Finkel et al, 2002) و مزایای زیادی شامل افزایش اعتماد و سازگاری در روابط، بهبود سلامت جسمانی و ذهنی و کاهش هیجان‌های منفی را در پی دارد (Finkel et al, 2002; Toussaint, & Webb, 2005; Worthington et al, 2005).

References

- 1- Bartholomew, K. (1990). Avoidance of intimacy: An attachment perspective. *Journal of Social and Personal relationships*, Vol.7, 147-178.
- 2- Burnette, J.L. Taylor, K.W. Worthington, E.L. and. Forsyth, R. (2006). Attachment and trait forgivingness: The mediating role of angry rumination, *Journal of Counseling & Development*, Vol.8, 312-320.
- 3- Cohn, D.A. Silver, D.H. Cowan, C.p. Cowan, P.a. & Pearson, J. (1992). Working model of childhood attachment and couple relationships. *Journal of Family Issues*, Vol.13, 432-449.
- 4-Cooper, M.L. Shaver, P.R, & Collins, N.L. (1998). Attachment styles, emotion regulation, and adjustment in adolescence. *Journal of Personality and social Psychology*, Vol.74, 1380-1397.
- 5- Corcoran, K.O. & Mallinckrodt, B. (2000). Adult attachment, self-efficacy, perspective taking and conflict resolution. *Journal of Counseling & Development*, Vol.78, 473-483.

- 6- Davila, Joanne. & Bradbury, Thomas N., (2001). Attachment insecurity and the distinction between unhappy spouses who do and do not divorce, *Journal of Family Psychology*, Vol.15, No.3, 371-393.
- 7- Davila, J. Karney, B. R. & Bradbury, T. N. (1999). Attachment change processes in the early years of marriage, *Journal of Personality and social Psychology*, Vol.76, 783-802.
- 8- Diblasio, Frederick A. (1998). The use of a decision-based forgiveness intervention within intergenerational family therapy, *Journal of Family Therapy*, Vol.20, 77-94 .
- 9- Eisenberg, N. & Fabes, R.A. (1992). Emotion, regulation, and the development of social competence. In M .S. Clark(Ed), *Emotion and Social Behavior* (pp. 119-150). Newbury Park, CA: Sage.
- 10- Enright, R.D. (2001). *Forgiveness is a choice*, APA Press, American Psychological Association, Washington, DC .
- 11- Exline, J. & Bumeister, R.f. (2000). Expressing forgiveness and repentance: Benefits and barriers. In M. E. McCullough & K. I. Pargment (Eds), *Forgiveness: Theory, research and practice*(pp. 133-155). New York: Guilford Press.
- 12- Feeney, B.C. and Collins, N.L. (2001). Predictors of caregiving in adult intimate relationships: An attachment theoretical perspective, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol: 80, pp. 972–994.
- 13-Feeney, J, & Noller, P. (1996). *Adult attachment*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- 14- Fincham, F.D. (2000).The kiss of the porcupines: from attributing responsibility to forgiving, *Personal Relationships* 7, pp. 1–23.
- 15- Fincham, Frank, D. Hal, Julie, Beach, Steven, R.H. (2006). Forgiveness in marriage: Current Status and future directions, *Journal of Family Relations*, Vol.55, Issue .4, 415-427.
- 16- Fincham, Frank D. Beach, Steven, R. Davila, Joanne. (2004). Forgiveness and conflict resolution in marriage, *Journal of Family Psychology*, Vol.18, N.1, 72-81.
- 17- Finkel, E.J. et al. (2002). Dealing with betrayal in close relationships: does commitment promote forgiveness?, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol: 82 , pp. 956–974.
- 18- Flanigan, B. (1998). Forgivers and unforgivable. In R. D. Enright & J. North (Ed), *Exploring forgiveness* (pp.95-105). Madison: University of Wisconsin Press.
- 19- Friesen, Myron D. Fletcher, Garth, O. & Overall, Nickola. (2005). A dyadic assessment of forgiveness in intimate relationships, *Journal of Personal Relationships*, Vol.12, 61-77.
- 20- Gillath, O. Shaver, P.R, and Mikulincer, M. (2005). An attachment-theoretical approach to compassion and altruism. In: P. Gilbert, Editor,

- Compassion: Conceptualizations, research, and use in psychotherapy, Brunner-Routledge, London, pp. 121-147.
- 21- Gordon et al. (2000). The use of forgiveness in marital therapy. In: M.E. McCullough, K.I. Pargament and C.E. Thoresen, Editors, *Forgiveness: Theory research and practice*, The Guilford Press, London , pp. 203-227.
- 22- Hasanzadeh, R. (2003). *Research methods*. Tehran, Savalan publisher.[Persian]
- 23-Kachadourian, L.K. Fincham and Davila, J. (2004). The tendency to forgive in dating and married couples: the role of attachment and relationship satisfaction, *Journal of Personal Relationships*, Vol:11, pp. 373-393.
- 24- Karremans, Johan C. & Arts, Henk. (2007). The rol of automaticity in determining the inclination to forgive close others, *Journal of Experimental Social Psychology*, Vol.43, Issue.6, 902-917.
- 25- Kirkpatrick, L. A. & Davis, K. E. (1994). Attachment style, Geneder, and relationship stability: A longitudinal analysis, *Journal of personality and Social Psychology*, Vol.66, 502-512.
- 26- Kobak et al. (1991). Attachment and depressive symptoms during adolescence: a developmental pathways analysis, *Development and Psychopathology*, Vol.3, pp. 461-471.
- 27- Kobak, R. R. Ruckdeschel, K. & Hazan, C. (1994). From Symptom to signal: An attachment view of emotion in marital therapy. In S. Johenson & L. Greenberg (Eds), *The heart of the matter: Perspective on emotion in marital therapy* (pp.46-71). New York: Brunner/Mazel.
- 28- Kobak, R.R, & Hazan, C. (1991). Attachment in marriage: Effects of security and accuracy of working models. *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol.60, 861-869.
- 29- Konstam, V. Chernoff, M. and Deveney, S. (2001). Toward forgiveness: the role of shame, guilt, anger, and empathy, *Counseling & Values*, vol: 46 , pp. 26-39.
- 30- Lawler-Row, Kathleen A, Younger, Jarred W, Piferi, Rachel & Jones, Warren H. (2006). The rol of adult attachment style in forgiveness following an interpersonal offense *Journal of Counseling &Development*, Vol.84, 493-502.
- 31- Lapsley, D.K. & Edgerton, J. (2002). Separation-individuation, adult attachment style, and college adjustment. *Journal of Counseling & Development*, Vol.80, 484-492.
- 32- Macaskill, A., Maltby, J., and Day, L. (2002). Forgiveness of self and others and emotional empathy, *Journal of Social Psychology*, Vol:142, pp. 663-665.
- 33- McCullough, M.E. & Rachal, K.C. (1997). Interpersonal forgiving in close relationships. *Journal of Personality and social Psychology*, Vol.73, 321-336.
- 34- McCullough, M.E. Rachal, K.C. Sandage, S.J. Worthington, J.r. and Brown, S.Wade,*et al.*(1998). Interpersonal forgiving in close relationships: II.

- Theoretical elaboration and measurement, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol: 75, pp. 1586–1603.
- 35- McCullough, M. (2001). Forgiveness: who does it and how do they do it? *Current direction in psychological science*. Vol,10 No.4 October.
- 36- McCullough, M and Root, L.M. (2005). Forgiveness as change. In: E.L. Worthington Jr., Editor, *Handbook of forgiveness*, Brunner-Routledge, New York, pp. 207–226.
- 37- Mikulincer, M. (1998). Adult attachment style and individual differences in functional versus dysfunctional experiences of anger, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol.74, pp. 513–524.
- 38- Mikulincer, M. and Shaver, P.R. (2005). Attachment theory and emotions in close relationships: exploring the attachment-related dynamics of emotional reactions to relational events, *Personal Relationships*, Vol:12 , pp. 149–168.
- 39- Mikulincer, M. Shaver, P. Gillath, O., and Nitzberg, R.A. (2005). Attachment, caregiving, and altruism: boosting attachment security increases compassion and helping, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol: 89, pp. 817–839.
- 40- OrathinkalKourosh, Jose. & Vansteenwegen, Alfons. (2006). the effect of forgiveness on marital satisfaction in relation to marital stability, *Contemp fam Ther*, vol:28 .251-260 .
- 41- Paleari, F.G. Regalia, C. and Fincham, F.D. (2005). Marital quality, forgiveness, empathy, and rumination: a longitudinal analysis, *Personality and Social Psychology Bulletin* 3, pp. 368–378.
- 42- peyvastehgar, Mehrangiz. (2006). The prediction children attachment disorders via parents attachment styles. Doctoral Theses, Alzahra university. [Persian]
- 43- Rply, J.S. & Worthington, E.L. (2002). Hope-focused and forgiveness-based group interventions to promote marital enrichment. *Journal of Counseling & Development*, Vol.80, 452-463.
- 44- Rye, M. Loiacono, D. Folck, C. Olszewski, B. Heim, T. Madia, B. (2001). "Evaluation of the psychometric properties of two forgiveness scales" *Journal of Current psychology*; Fall, Vol. 20, Issue 3, 18p.
- 45- Sanaee, Bagher, (2000). Family and marriage scales. Tehran, Beasat Publications. [persian]
- 46- Simpson, J.A. and Rholes, W.S. (2004). Anxious attachment and depressive symptoms: an interpersonal perspective. In: W.S. Rholes and J.A. Simpson, Editors, *Adult attachment: Theory, research, and clinical applications*, Guilford Press, New York, pp. 196–239.
- 47- Simpson, J.A. Rholes, W.S. and Phillips, D. (1996). Conflict in close relationships: an attachment perspective, *Journal of Personality and Social Psychology* 71 (1996), pp. 899–914.

- 48- Toussaint, L. and Webb, J.R. (2005). Theoretical and empirical connections between forgiveness, mental health, and well-being. In: E.L. Worthington Jr., Editor, *Handbook of forgiveness*, Brunner-Routledge, New York , pp. 207–226.
- 49- Tse, M.C. and Cheng, S. (2006). Depression reduces forgiveness selectively as a function of relationship closeness and transgression, *Personality and Individual Differences*, vol, 40, pp. 1133–1141.
- 50- Worthington, J.R. (2005) *Handbook of forgiveness*, Brunner-Routledge, New York (2005).
- 51- Worthington, J.r. and Diblasio, F. (1990). Promoting mutual forgiveness within the fractured relationship, *Psychotherapy* 27, pp. 219–233.
- 52- Zandipour, Taybeh. & Yadegari, H. (2007). The relationship of forgiveness and life satisfaction in married girls students in Tehran universities. *Journal of women studies*, vol, 5(3), 109-122. [Persian]

